

## رنه دکارت

رنه دکارت (rene decartes) فیلسوف ریاضیدان و فیزیکدان بزرگ عصر رنسانس ، در روز 31 ماه مارس 1596 متولد شد . او اهل تورن فرانسه و فرزند یکی از مشاورین پارلمانی برتانی بود . در سیزده ماهگی مادرش را از دست داد . در سال 1606 هنگامی که پسر ده ساله ای بود هرروز با بیم و وحشت به مدرسه ی «ژزوئیتها» بنام لامنش میرفت .

دکارت طی هشت سال تحصیل در این مدرسه ، ادبیات ، منطق ، اخلاق ، ریاضیات و مابعدالطبیعه را فرا گرفت . درسهایی که میگرفت از ادبیات قدیم بود که تحت تاثیر فکر ارسطویی قرار داشت .

پس از اتمام دوره و خروج از لافلس ، مدتی به تحصیل علم حقوق و پزشکی مشغول گردید، اما در نهایت تصمیم گرفت به جهانگردی پرداخته و آنگونه دانشی را که برای زندگی سودمند باشد ، فرا بگیرد . به همین منظور، مدتی به خدمت ارتش هلند در آمد ؛ چرا که فرماندهی ان را شاهزاده ای بنام موریس برعهده داشت که در فنون جنگ و نیز فلسفه و علوم ، مهارتی به سزا داشت و بسیاری از اشراف فرانسه دوست داشتند تحت فرمان او فنون رزمی را فرا

بگیرند . دکارت در مدتی که در قشون ارتش هلند بود ، به علم مورد علاقه ی خود یعنی ریاضیات می پرداخت .

در 1611 روز ششم ژوئن دکارت در یک جلسه ی سخنرانی تحت عنوان «اکتشاف چند سیاره ی سرگردان در اطراف مشتری» شنید که در آن سال گالیله چه اکتشافی کرده است . این سخنرانی در روح او تاثیر فراوان کرد دکارت در سال 1616 امتحان خود را در رشته ی حقوق گذرانید و در این هنگام وارد قشون «پرنس دوناسو» شد و وقتی در پادگان «بردا» مشغول خدمت بود تصمیم گرفت که در زندگی هیچ سئوالی را بی جواب نگذارد و در اطراف مسائل تفکر نماید .

از 1619 به بعد ، چند سالی در اروپا به سیاحت پرداخت و چند سالی هم در پاریس اقامت کرد اما زندگی در آن جا را که مزاحم فراغت خاطر خود میدید ، نپسندید و در سال 1628 میلادی بار دیگر به هلند بازگشت و در آن دیار ، تا سال 1649 میلادی ، مجرد ، تنها و دور از هر گونه غوغای سیاسی و اجتماعی تمام اوقات خود را صرف پژوهشهای علمی و فلسفی نمود . تحقیقات وی ، بیشتر تجربه و تفکر شخصی بود و کمتر از کتاب استفاده میکرد .

در سپتامبر 1649 به دعوت کریستین ، ملکه ی سوئد برای تعلیم فلسفه ی خویش به دربار وی در استکهلم رفت . اما زمستان سرد این کشور اسکاندیناوی از یک سو و ضرورت سحرخیزی در ساعت پنج بامداد برای تعلیم ملکه از سوی دیگر ، دکارت را که به این نوع آب وهوا و سحرخیزی عادت نداشت ، به بیماری ذات الریه مبتلا ساخت .

از کنایه های تاریخ اندیشه اینکه جستجو برای دستیابی به حقیقت در جهان در نظریه ی دکارت بر اصل شک در وجود اشیاء و پدیده هامبتنی است . دکارت از بهترین آموزش موجود اروپای زمان خود شامل بررسی جامع و مفصل ارسطو ودانش فیزیک برخوردار شده ودوره ی «A» رادر بیست سالگی به پایان رسانیده بود ولی وی در پایان احساس کرده بود که جز چند نکته ریاضی هیچ چیز دیگری را به یقین یا بادقت عینی نمیداند واز خود این پرسش را میکند که چرا نباید حقایق را کلاً با همان دقت و یقین ریاضی بداند . این اصل کم کم دراو قوت میگیرد تا آنکه در دهم نوامبر 1619 که تعطیلات زمستانی خود را در توابع «اولم» می گذرانید توانست علمی را به وجودآورد که به وسیله ی آن پرده ی تاریکی را از روی معرفت دورسازد .

دکارت اهل جنگ و نظام نبود و به همین مناسبت در 24 سالگی خدمت نظام را ترک کرد و در سال 1626 به پاریس رفت. در این سال همه جا صحبت از اکتشافی بود که به وسیله ی دوربین های نجومی انجام میگرفت. «ژان فابریسیوس» اهل فلاماند و گالیه و بعد از آنها «شایز» لکه های خورشید را مشاهده نموده بودند. دکارت تحت تاثیر این وضع شروع به تفحص عمیقی در دانش آسمان نمود. ابتدا به ساختن دوربین دقیق و کاملی اقدام کرد و مجبور شد برای انتخاب بهترین نوع عدسی انکسار اشعه ی نورانی در عدسیها را مورد مطالعه قرار دهد. در سال 1626 در حالیکه کارگران مشغول تراشیدن شیشه ای به امر او بودند موفق به کشف قانون انکسار نور گردید. طول نکشید که نجوم علمی را کنار گذاشت تا بتواند مطالعات نظری خود را دنبال کند.

دکارت مصمم شد که کتابی راجع به ساختمان جهان تهیه نماید او در سال 1626 در آمستردام زندگی میکرد و به شهرهای لاهه و لید سفر میکرد. روزی در این شهر اطلاع یافت که معلمی به نام «اسنلیوس» که سال قبل از آمدن او به هلند وفات کرده بود قانون انکسار را کشف کرده است. این موضوع سبب شد که بعدها دکارت را به دزدی علمی متهم کنند ولی امروزه حقیقت کاملاً از نظر

دانشمندان روشن است . اسلیوس دانشمندی عالی قدر بود و کسی بود که اولین اندازه گیری علمی را روی کره زمین انجام داد . روشنفکر جوان فرانسوی نیز مانند فیثاغوریان قرنهای پیش به این فکر افتاد که راه رسیدن به حقیقت باید همان ریاضی باشد . وی برپایه این اندیشه غرق در مطالعه ی ریاضی شد و با اختراع هندسه ی تحلیلی که یک ابزار ریاضی ضروری و در قیاس با هندسه ی باستانی اقلیدس قابل درک تر بود پاداش زحمات خود را گرفت . هنگامیکه دکارت مشغول تهیه کتاب خود بود خبر محکومیت گالیله در تمام نقاط انتشار یافت و او که شخصی محتاط بود از انتشار کتاب خود منصرف شد .

دکارت هندسه ی تحلیلی را که وسیله ی ذی قیمتی برای پیشرفتهای علمی بود ، به وجود آورد . زیرا مطالعه ی هندسه ی اقلیدسی فقط برای عده ی معدودی از دانشمندان که دارای استعداد خارق العاده هستند ممکن است . دکارت بعد از اندیشه و مطالعه ی بسیار شاهکار فلسفی کوتاه خود به نام «گفتاری در جستجوی حقیقت در علوم» را در سال 1639 انتشار داد . وی در این تألیفات اثرگذار ، تاریخچه ی رشد فکری و چگونگی آغاز به شک در صحت و سقم

آموخته های خود را ذکر کرده و به این نتیجه میرسد که به همه چیز باید به دیده ی شک نگریست جز به شخص شک کننده که وجود دارد ، چرا که شک میکند . « شک میکنم ، پس وجود دارم » روش خود وی برای بیان آن منظور است . او اعمال آن روش را به قلمرو های فکری دیگر هم گسترش داد و به این کشف رسید که نیل به یقین در آن قلمرو ها نیز از راه تبدیل و تقلیل مسائل به یک شکل و راه حل ریاضی ، میسر است . مسأله را چنانچه بتوان به صورتی ریاضی در آورد و با استفاده از شمار حداقلی از قضایای استنباطی یا احکام مبرهن ریاضی ، به آن نظم بخشید ، حاصل یک دستگاه معادلات جبری خواهد بود که با حل آنها طبق قواعد جبری جوابهای دقیق و قطعی لازم بدست خواهد آمد . دکارت جهان هستی را ماشین پیچیده ی عظیم ساعت مانندی می بیند که به دست خداوند به کار افتاده و کار ان بدون کمک بعدی وی ، تا ابد ادامه دارد .

تأکید برخی از مورخان است که نیوتن را دکارت ممکن الوجود کرد ، اکنون با روش دکارت میتوان به قسمتهای عالی نیز دسترسی پیدا نمود . دکارت ریاضی

دان بزرگی بود که چندان به ریاضیات علاقه نداشت. دکارت در 11 فوریه

1650 به مرض ذات الریه زندگی را بدرود گفت .

<http://www.jokerkhob.blogfa.com/>  
<http://www.bartarinblog.blogfa.com/>